

فصل‌نامه جندی‌شاپور، دانشگاه شهید چمران اهواز

سال سوم، شماره ۱۲، زمستان ۱۳۹۶

## منبع‌شناسی مطالعات ایران ساسانی از منظر بیزانس

بهرام روشن‌ضمیر<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت: ۹۷/۸/۲

تاریخ پذیرش: ۹۷/۹/۱۶

### چکیده:

با همه اهمیت‌هایی که دوره ساسانی به عنوان نزدیک‌ترین دوره باستانی به ما دارد، اوضاع پژوهش‌های مستقل این دوره اصلاً با چنین درجه‌ای از اهمیت تناسب ندارد. به گونه‌ای که ساسانیان نیمه تاریخ ماه (از نظر مطالعاتی) در عصر پسین‌باستان (باستان متأخر) بوده‌اند. نتیجه این شده که اکنون ساسانی‌پژوهی در پژوهش‌های جهانی چیزی نیست جز فرعی بر مطالعات گسترده و ژرف پسین‌باستان. با این حال می‌توان منابع پسین‌باستان یا بیزانسی را نه با نگرشی فرعی و حاشیه‌ای به ایران که با صورت‌بندی تازه‌ای که در آن ساسانیان محور باشند مورد مطالعه قرار داد. هدف این مقاله، آشنایی با منابع اصلی و مهم امپراتوری بیزانس (و سرزمین‌های حائل میان دو قدرت) که در آنان اخبار و تصویرسازی‌هایی از ایران ساسانی ارائه شده، است. این منابع عمدتاً به پنج زبان یونانی، سریانی، ارمنی، گرجی و لاتین تدوین شده‌اند.

واژگان کلیدی: باستان متأخر، پسین‌باستان، منابع یونانی، منابع سریانی، منابع قفقازی.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## ۱-مقدمه:

هیچ دوره‌ای از تاریخ ایرانِ پیشامدرن همچو دوران ساسانی مناقشه‌برانگیز نیست و تفسیرها و داوری‌هایی چنین متناقض با یکدیگر ندارد. بدین ترتیب که در یک اثر با «دورهٔ زرین تاریخ ایران» روبرو می‌شویم و در اثری دیگر با «تاریک‌ترین روزگار ایران». این نشان می‌دهد که جریان‌ات و دسته‌های فکری و ایدئولوژیک هر یک توانسته‌اند به خوبی از داده‌های فراوان ولی بسیار پراکنده از دورهٔ ساسانی، به سودِ خودشان بهره بگیرند و تصویرِ مطلوب خود را بازتاب دهند.

با همهٔ اهمیتی که دورهٔ ساسانی به عنوان نزدیک‌ترین دورهٔ باستانی (نه فقط نزدیکی زمانی) به ما دارد، اوضاع پژوهش‌های مستقل این دوره اصلاً با چنین درجه‌ای از اهمیت، تناسب ندارد. به باور پیتز براون، ساسانیان نیمهٔ تاریک ماه (از نظر مطالعاتی) در عصر پسین‌باستان (باستان متأخر) بوده‌اند.<sup>۱</sup> از همین روست که این مبدع اصطلاحِ پسین‌باستان،<sup>۲</sup> در پژوهش‌های خود به‌ندرت و به صورت حاشیه‌ای به ساسانیان اشاره کرده است. نتیجه این شده که اکنون ساسانی‌پژوهی در پژوهش‌های جهانی چیزی نیست جز فرعی بر مطالعات گسترده و ژرفِ پسین‌باستان که همین را نیز باید غنیمت گرفت. چه اگر مطالعات پسین‌باستان نبود تا در سایه‌اش ساسانیان هم پژوهیده شوند، این زمینه اکنون همین میزان از توجه را نیز نداشت و تا حدودی متروک شده بود. به هر رو اکنون ظاهراً مطالعات ساسانی هنوز کاملاً از چیرگی منابع اسلامی به‌در نیامده، به زیر چترِ پسین‌باستان رومی رفته است.

با این حال می‌توان منابع پسین‌باستان یا بیزانسی را نه با نگرشی فرعی و حاشیه‌ای به ایران که با صورت‌بندی تازه‌ای که در آن ساسانیان محور باشند مورد مطالعه قرار داد و از آسیبی که پیگولوسکایا از آن با عنوان «اروپامحوری»<sup>۳</sup> یاد کرد و آنرا بزرگترین مانع موجود بر سر «مطالعهٔ معقول تاریخ شرق»

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

1. Brown, "Recovering the submerged world", p.4.

۲. برخی از پژوهشگران چون تورج دریایی و خداداد رضاخانی معادل فارسی پساباستان را برای *Late Antiquity* به کار می‌برند. تا جایی که نگارندهٔ این سطور می‌داند، پسا معادلی برای *Post* است و نه برای *Late*. از این رو پساباستان معادل *Post Antiquity* خواهد بود یعنی پس از دورهٔ باستان. درحالی‌که منظور براون و دیگران همان باستان متأخر یا پسین‌باستان است.

3. *Europocenterism*

دانست، سانچیزی-ویردنبورخ در سرفصل هخامنشیان، «یونان‌محوری»<sup>۱</sup> نامید و به چالش‌اش کشید<sup>۲</sup> و برخی دیگر حتی به وجود پدیده‌انگلو‌محوری در مطالعات پسین باستان قائل شده‌اند.<sup>۳</sup> در مجموع به نظر می‌رسد اندکی انصاف کفایت می‌کند تا پژوهشگران بر مظلومیت ساسانیان و ضرورت و اولویت پرداختن به آن تأکید ورزیده و برای تغییر این وضعیت نابسامان بکوشند. نخستین گام برای این مهم، شناخت منابع اصلی و مهم تدوین‌شده در قلمرو امپراتوری بیزانس و سرزمین‌های حائل میان ایران و آن امپراتوری است. این منابع که می‌توانند به سه گروه زبانی یونانی-لاتین، سریانی (غربی و شرقی) و قفقازی تقسیم شوند، در ادامه معرفی می‌گردند.

## ۲- منابع یونانی-لاتین:

مهم‌ترین و تأثیرگذارترین آثار در شکل‌دهی به تصویر تاریخی ایران و ایرانیان در جهان غرب و حتی کل جهان خارج از ایران، آثار یونانی-لاتین بوده‌اند. آثار تاریخی و فلسفی و ادبی و دینی یونانی از سده پنجم پیش از میلاد به شکل مفصل و مختصر به ایران و ایرانیان پرداخته‌اند و پیوستگی و تداوم بی‌مانند زبان و ادبیات یونانی تا پایان عصر پسین باستان و آغاز سده‌های میانه باعث شده تا با زنجیره‌ای از گزارش‌ها و برداشت‌ها و برساخته‌ها و میراث‌بری کلیشه‌های کهن در این زبان در یک بازه درازمدت بیش از یک‌هزاره‌ای روبرو باشیم. در دوره فرمانروایی روم، زبان لاتین هم به مرور به موازات زبان یونانی به کار گرفته شد، ولی هرگز به جایگاه زبان یونانی نرسید و با تجزیه امپراتوری به دو بخش شرقی و غربی و سپس نابودی بخش غربی، زبان یونانی دوباره به زبان اصلی تولید و ترویج علم و فرهنگ و دین تبدیل شد.

### ۱-۲- ژروم مقدس:<sup>۴</sup> ترجمه و تکمیل‌های بر رویدادنامه اوزیوس:

کشیش سرشناس روم غربی ژروم (درگذشته ۴۲۰) برای ترجمه کتاب مقدس به لاتین نام‌دار است. او همچنین رویدادنامه<sup>۵</sup> تأثیرگذار اوزیوس قیصری<sup>۳</sup> (درگذشت ۳۳۹) - که نخستین نمونه تاریخ جهانی

1. *Hellenocentrism*

2. Sancisi-Weerdenburg, "The Fifth Oriental Monarchy and Hellenocentrism," in Sancisi-Weerdenburg and Kuhrt, eds., *Achaemenid History II*, pp. 117-31.

3. See Cameron, "The 'Long' Late Antiquity: a Late twentieth-century model", p.166.

4. Saint Jerome

مسیحی تا دوره کنستانتین یکم محسوب می‌شود- را نیز از یونانی به لاتین ترجمه کرده و آنرا تا سال ۳۷۷ ادامه داد.<sup>۴</sup>

## ۲-۲- سوکراتس، سوزومن، تئودورت: تاریخ کلیسایی:

مثلث تاریخ کلیسایی<sup>۵</sup> دوره تئودوسی عبارتند از سوکراتس اهل کنستانتینوپل<sup>۶</sup> (درگذشت بعد از ۴۳۹)، سوزومن<sup>۷</sup> اهل غزه (درگذشت ۴۵۰) و تئودورت اسقف کوروس<sup>۸</sup> (درگذشت ۴۵۷). این سه به پیروی از ژانر «تاریخ کلیسایی» اثر اوزیبوس قیصری، تاریخ را از جایی که اوزیبوس به پایان رسانده بود یعنی دوره کنستانتین یکم (۳۳۷-۳۰۶) به شکل مستقل از یکدیگر نوشته‌اند. مهم‌ترین منابع یونانی برای بررسی آنچه به سرکوب بزرگ مسیحیان در ایران ساسانی معروف شده است، همین سه اثر دوره تئودوسیوس دوم‌اند که به تعقیب و آزار مسیحیان در دوره شاپور دوم، واپسین سال یزدگرد یکم، و دیگر دوره‌ها اشاره دارند. یعنی روایت یونانی «اعمال شهیدان مسیحی»<sup>۹</sup> در این آثار به‌ویژه در سوزومن یافت می‌شود<sup>۱۰</sup> و با کمک آن می‌توان به تصویری از دستگاه دولتی ساسانی، دستگاه موبدان زردشتی، و دین و فرهنگ ایران دست یافت. باید توجه داشت که تاریخ‌های کلیسایی صرفاً به رویدادهای درون کلیسا و دستگاه دینی مسیحیان نمی‌پردازند. بلکه این آثار ترتیبی منظم و گاهنگارانه<sup>۱۱</sup> از رویدادهای مهم سیاسی و اجتماعی و طبیعی هم ارائه می‌دهند.

1. Vulgate
2. Chronicon
3. Eusebius of Caesarea
4. See Drew Donalson, *Jerome's Chronicon: A Translation and Commentary*.
5. *Historia Ecclesiastica*
6. Socrates of Constantinople
7. Sozomen
8. Theodoret of Cyrus
9. *Acta Martyrum* باید توجه کرد این عنوان، یک ژانر است و نه یک کتاب
10. Chesnut, *The First Christian Histories: Eusebius, Socrates, Sozomen, Theodoret, and Evagrius*.
11. Chronological

۳-۲- زوسیموس: تاریخ نوین:<sup>۲</sup>

در اواخر سده پنجم و اوایل سده ششم در کنستانتینوپل می‌زیست و از طبقات بالا بود. او اثری غیر کلیسایی (سکولار)<sup>۳</sup> با نام تاریخ نوین در شش کتاب به زبان یونانی می‌نویسد. وی برخلاف عنوانی که بر کتابش گذاشته نتوانسته آن‌را تا دوره معاصر خویش جلو بیاورد و تاریخ روم را از آگوستوس تا ۴۱۰ میلادی روایت کرده است. زوسیموس را باید پس از آمیانوس مارسلینوس<sup>۴</sup> و اسپین تاریخ‌نگار «مشرك» (پاگان)<sup>۵</sup> روم نامید. او تضعیف امپراتوری روم غربی را - که به سال ۴۱۰ پایتخت نمادین آن پس از حدود یک هزاره توسط اقوام بیگانه غارت شد - نخست به دلیل چرخش کنستانتینی، دوم نافرجامی برنامه‌های ژولیان و سوم پاگان‌ستیزی‌های تئودوسیوس می‌داند.<sup>۶</sup> او یک سده پس از کتاب لاتین آمیانوس<sup>۷</sup>، ادبیات ژولیان‌ستایانه را به یونانی زنده کرده و او را قهرمان واقعی روم نمایاند و برعکس جریان اصلی روم مسیحی، تئودوسیوس یکم؛ قهرمان بیزانس را برای همه چیز سرزنش کرد.<sup>۸</sup> زوسیموس پس از تجزیه امپراتوری در میان پسران تئودوسیوس به سال ۳۹۵ (آرکادیوس و هونوروس) بیشتر توجه خود را معطوف به بخش غربی گرداند.<sup>۹</sup>

1. *Zosimos*2. *Historia nova*

۳. دارنده این قلم با ترجمه «سکولار» در این بستر، به «دنیوی» موافق نیست. چه، تاریخ کلیسایی، اخروی نبود و بلکه آن هم دنیوی بود. شاید هم بهره‌گیری از اصطلاح «عرفی» برای سکولار مناسب باشد. به‌هر روی ترجیح دادم از واژه غیر کلیسایی یا همان سکولار بهره بگیرم.

4. *Ammianus Marcellinus*

5. Pagan

6. Zosimus, *New History* 2.34.2.7. *Res Gestae*8. Zosimus, *New History* 4.28-329. See Ridle, 1982, *New history of Zosimus. a translation with commentary*

۴-۲-مارسلینوس کومس: سالنامه‌ها:<sup>۲</sup>

این رویدادنامه نویسی ایلیریایی<sup>۳</sup> ظاهراً به سال ۵۳۴ درگذشته ولی مولفی گمنام رویدادنامه او که از ۳۷۹ میلادی آغاز شده بود را تا ۵۶۶ میلادی ادامه می‌دهد. مارسلینوس کومس اگرچه کتابش را مانند همنام سده چهارمی خود؛ آمیانوس مارسلینوس به زبان "لاتین" نگاشته (که مخاطبانش در بخش غربی امپراتوری بودند)، ولی توجهش به سوی بیزانس و شرق بوده است.<sup>۴</sup>

۵-۲-یوحنا مالالاس:<sup>۵</sup> گاهنگاری:<sup>۶</sup>

یوحنا یا جان اهل اتناکیه احتمالاً پس از ویرانی آن شهر پس از زمین‌لرزه، طاعون و حمله ایرانیان، به کنستانتینوپل رفت و اثری در ۱۸ کتاب با نام کروئولوژی از آدم تا مرگ ژوستینیان (۵۶۵ میلادی) به زبان "یونانی" نوشت که به جز کتاب نخست و پایانی بقیه به دست ما رسیده است. مالالاس لقبی است که به او داده شده و به آرامی به معنای استاد فن بلاغت و سخن‌وری<sup>۷</sup> است. آنچه درباره سده‌های سوم و چهارم و حتی پنجم میلادی نوشته همراه با افسانه‌سرایی‌های فراوان است و در واقع در بیشتر موارد آنچه مالالاس نقل کرده تکراریتی ناسازگار با دیگر منابع و گاه ناسازگار با عقل و منطق است. او با اینکه در شبه‌تاریخی که از سده‌های سوم و چهارم ارائه کرده، روایتی مبالغه‌آمیز از پیروزی‌های کشور متبوع خود در برابر ایران ساسانی بیان داشته ولی در تاریخ معاصر خود در سده ششم دقت بیشتری به کار برده و در مجموع لحن او نسبت به ایرانیان، مناسب‌تر و منصفانه‌تر از دیگران است. مالالاس در همان داستان‌های

1. *Marcellinus Comes*
2. *Annales*
3. *Illyria* قومی اهل بالکان
4. Croke & Mommsen, *The Chronicle of Marcellinus: A Translation and Commentary*
5. I in Malvas
6. *Chronographia*
7. *Rhetor*

اساطیری خود هم ایرانیان را بس بلندمرتبه و از نسل خدایان گرفته است. اِواگریوس و توفانس تاریخنگاران پسینِ یونانی‌زبان، از مواد موجود در کتاب مالالاس بهره برده‌اند.<sup>۱</sup>

#### ۶-۲- پروکوپئوس قیصری<sup>۲</sup>: جنگ‌ها:<sup>۳</sup>

پروکوپئوس قیصری در اواخر سده پنجم در قیصریه فلسطین<sup>۴</sup> زاده شد و در ۵۲۷ میلادی به سمت مشاورِ بلیزاریوس<sup>۵</sup> یکی از افسران ژوستینیان برگزیده شد و با ارتقاء بلیزاریوس به مقام سردار سپاه بیزانس، پروکوپئوس هم جایگاه مهمی یافت و ظاهراً در فتوحات فراوان بلیزاریوس در آفریقا و ایتالیا و در نبردهای پرشمار او در شرق همراه او بوده است. از او چندین کتاب برجای مانده که کتاب جنگ‌ها برای تاریخ ایران اهمیت بیشتری دارد. این کتاب شامل هفت بخش است که بخش‌های یکم و دوم به جنگ‌های بیزانس با رقیب شرقی‌اش ایران ساسانی اختصاص دارد. و در کل به تاریخ دوره ژوستینیان تا سال ۵۵۱ می‌پردازد.<sup>۶</sup>

کتاب دیگر ابنیه<sup>۷</sup> به تاریخ رسمی و تبلیغاتی دربار ژوستینیان نزدیک‌تر می‌گردد و برعکس در کتاب دیگری که به تاریخ سِری<sup>۸</sup> سرشناس شده، یادداشت‌های چاپ‌نشده او را می‌بینیم که بعدها منتشر شدند. او در اینجا لحن متملقانه خود در ابنیه و لحن نسبتاً هوادارانه خود در جنگ‌ها را کاملاً کنار گذاشته و ژوستینیان<sup>۹</sup>، همسرش تتودورا<sup>۱۰</sup> و بلیزاریوس ارباب خود را از هیچ نقدی مصون نمی‌دارد و سیمایی تاریک و سیاه از امپراتوری در سده ششم ارائه می‌کند.

1. See Jeffreys, *The Chronicle of John Malalas*

2. *Procopius of Caesarea*

3. *De Bellis*

۴. با قیصریه در آسیای صغیر تفاوت دارد.

5. *Belisarius*

6. See *Dewing, History of the Wars*

7. *Buildings*

8. *Anekdotia*

9. *Justinian*

10. *Theodora*

۷-۲-آگاثیاس<sup>۱</sup>: تاریخ‌ها:

این استاد فن بلاغت و سخن‌وری و شاعر بیزانسی سده ششم که حدود سال ۵۳۰ در میرینا<sup>۲</sup> (میسیا<sup>۳</sup>) در کنار دریای اژه زاده شد، تلاش کرد تاریخ را دقیقاً از نقطه‌ای که پروکوپوس متوقف کرده، پی‌بگیرد. بر این مبنا او حلقه‌ای دیگر از زنجیره تاریخ‌نگاری کلاسیک غیرکلیسایی (سکولار) یونان و روم و بیزانس است که کم‌کم به روزگار پابانی خود نزدیک می‌شد. آگاثیاس تاریخ خود را از نبردهای نرسیس<sup>۴</sup> سردار بنام بیزانسی در شرق و غرب در دوره ژوستینیان آغاز می‌کند و در پنج کتاب ادامه می‌دهد ولی درگذشتش -چنانکه مناندر می‌گوید- مانع نگارش بیشتر شده و کتابش با مرگ خسرو انوشیروان به سال ۵۷۹ در دوره تیبریوس (۵۸۲-۵۷۴) پایان می‌یابد. او در برخی موارد در آنچه پروکوپوس گفته تردید می‌کند و لحن او در مجموع نسبت به پروکوپوس، ملی‌گرایانه‌تر و داوری‌های او به سود کشور و قدرت متبوعش یک‌سویانه‌تر و ضد ایرانی‌تر است. به ویژه نسبت به خسرو انوشیروان شاهنشاه هم‌دوره خود برخلاف آثار دیگر که یا روشن و یا خاکستری‌اند، آگاثیاس تصویر تیره و سیاه ارائه می‌کند. مهم‌ترین ویژگی کار آگاثیاس برای تاریخ ایران ادعای او همچون کتسیاس در دوره هخامنشی مبنی بر دستیابی به دفترهای درباری یا سالنامه‌های شاهانه ایران و رونوشت‌برداری از آنان است. روایتی که آگاثیاس از خدای‌نامه ارائه می‌کند بی‌شبهت با "تاریخ ملی ایران" که در دوره ساسانی تدوین شده بود و ترجمه‌های دوره اسلامی آن به‌دست آمده نیست.<sup>۵</sup>

۸-۲-مناندر پروتکتور<sup>۶</sup>: تاریخ:

او یک افسر نظامی در کنستانتینوپل در دوره موریس بود که تلاش کرد به سبک آگاثیاس تاریخ را ادامه دهد. کتاب کامل او موجود نیست ولی پاره‌هایی از آن گرد آمده است که تاریخ را از ۵۵۸ تا ۵۸۲ روایت

1. Agathias
2. Myrina
3. Mysia
4. Narses
5. See De Gruyter, *The Histories*
6. Menander Protector



می‌کند. مانند اثر پروکوپیوس، روایت‌های باقی‌مانده از مناندر روایت‌هایی دست اول‌اند که از زاویه دید ارتش بیزانس نگاشته شده‌اند.

#### ۹-۲- یوحنا (جان) ایپفانیا:

این تاریخ‌نگار یونانی‌زبان اهل ایپفانیا<sup>۱</sup> تاریخ نظامی جنگ بیزانس و ایران از دوره ژوستن دوم<sup>۲</sup> (۵۶۵ میلادی) تا پایان این جنگ یعنی روی کار آمدن خسرو پرویز و صلح او با موریس<sup>۳</sup> (۵۹۱ میلادی) را نگاشته است. اصل کتاب او از دست رفته و پاره‌های از آن در آثار دیگر یافت می‌شود. او خسرو پرویز را به هنگام گریز او به بیزانس شخصا دیده و احتمالا یکبار به ایران هم سفر کرده است. در مجموع اثر او اهمیتی نیافته و تنها چند تاریخ‌نگار دیگر چون اوآگریوس و توفیلاکت از آن بهره برده‌اند.

#### ۱۰-۲- اوآگریوس اسکولاستیکوس<sup>۴</sup>: تاریخ کلیسایی:

از یاران گریگوری انتاکی<sup>۵</sup> اسقف انتاکیه در پایان سده ششم میلادی و پسرعمو و هم‌شهری یوحنا (جان) ایپفانیا. که بر خلاف او، در ژانر "تاریخ کلیسایی" دست به قلم شد تا واپسین اثر در این رده به زبان "یونانی" در دوره پسین‌باستان را ارائه دهد. او تاریخ خود را از نخستین شورای کلیسایی افسوس<sup>۶</sup> به سال ۴۳۱ آغاز کرد و تا سال ۵۹۳ در شش جلد به ادامه داد. این چهره ارتدکس خالکیدونی<sup>۷</sup> و نزدیک به قدرت بیزانس، بیش از آنکه بتواند دیده‌ها و یافته‌های خود را بنویسد، به پژوهشی در آثار دیگران پرداخته و گزیده‌ای از کتابهای تاریخی دیگر را در کتاب خود گردآورده است. مثلا تاریخ جنگ‌های بیزانس و

۱. حما در سوره *Epiphania*

۲. Justin II

۳. Maurice

۴. *Evagrius Scholasticus*

۵. Gregory of Antioch

۶. Synod of Ephesus

۷. Chalkedon خالکیدون (لاتین: کالسدون Chalcedon) منطقه‌ای یونانی‌نشین در کرانه‌ی آسیای کنستانتینوپل بود. ارتدکس‌های پیرو مصوبات شورای خالکیدون را ارتدکس خالکیدونی می‌گفتند.

ایران را از پسر عموی خود یوحنا ایفانیا و بخش‌هایی را هم از مالالاس گرفته و از آثاری که اکنون به دست ما نرسیده چون پریسکوس پانیوم<sup>۱</sup> هم برای دوره‌های پیشین بهره جسته است. اواگریوس نگاهی تیره و سیاه به هرمزد چهارم دارد، و تاریخ‌نگار پسین یعنی تئوفیلاکت در این زمینه به شدت متأثر از اوست. ولی چون اواگریوس پیش از جنگ خسرو پرویز با بیزانس قلم در دست گرفت، تصویر خسرو پرویز در اثر او برخلاف آثار دیگر، هنوز مثبت است.<sup>۲</sup>

#### ۱۱-۲-موریس دروغین: استراتگی‌کون:<sup>۳</sup>

یک رسالهٔ جنگی به زبان یونانی از سده هفتم میلادی موجود است که آنرا به امپراتور روم موریس (۵۸۲-۶۰۲) منسوب کرده‌اند. این اثر توان و استعداد و شیوه‌های جنگاوری اقوام خارجی از جمله ایرانیان را بررسی و راههایی برای رویارویی با آنان توصیه کرده است.<sup>۴</sup>

#### ۱۲-۲-تئوفیلاکت سیموکاتا<sup>۵</sup>: تاریخ:

حلقهٔ پایانی تاریخ‌نگاری کلاسیک غیرکلیسایی (سکولار) یونانی‌زبان و واپسین تاریخ‌نگار بزرگ عهد باستان که از هرودت می‌آغازید، تئوفیلاکت سیموکاتا است<sup>۶</sup> که در اواخر سده ششم زاده شده و در دوره هراکلیوس<sup>۷</sup> (۶۱۰-۶۴۱) به نوشتن تاریخ در هشت کتاب پرداخت. ولی نه تاریخ مهم معاصر با خود که تاریخ جنگ‌های موریس (پیش و پس از امپراتوری) یعنی از سال ۵۸۰ تا ۶۰۲ تا کودتای فوکاس<sup>۸</sup> بر ضد موریس. خود تئوفیلاکت می‌گوید که تاریخ با فوکاس مُرد. او بر خلاف پروکوپئوس و به‌ویژه آگاتیاس با

1. *Priscus of Panium*
2. Whitby, *The Ecclesiastical History of Evagrius Scholasticus*.
3. *Strategikon*
4. Dennis, *Maurice's Strategikon: Handbook of Byzantine Military Strategy* 4.
5. *Theophylact Simocatta*
6. Whitby, "THEOPHYLACT SIMOCATTA," *Encyclopædia Iranica*, online edition.
7. *Heraclius*
8. *Phocas*

شعر و ادبِ تزئینی هم‌داستان نبود. او افزون بر بهره‌برداری از تاریخ‌های غیر کلیسایی چون یوحنا ایفانیا، به این جهت که در خدمتِ اسقف اعظم پایتخت، سرجیوس بود، توانست از آثار کلیسایی به‌ویژه اوآگریوس هم کمک بگیرد. در واقع تئوفیلاکت تاریخ را بر اساس منابع کتابخانه‌ای نگاشته است. هرچند در بخشِ درگیری بهرام چوبین و خسرو، تئوفیلاکت روایتی مستقل ارائه داده که خودش ادعا می‌کند از ایرانیان دریافت داشته که سنجش آن با آثار شرقی‌تری چون سبتوس و طبری تا حدود زیادی این ادعا را تایید می‌کند. لحن او نسبت به ایران از اوآگریوس و پروکوپئوس و مالالاس و مناندر بدتر و تقریباً مانند آگاتیاس است. نگاه سیاه او به خسرو پرویز (که در تاریخ او هنوز وارد جنگ با بیزانس نشده) ریشه در رخداد‌های پسین یعنی دوره معاصر خودش دارد. او خبر خنثایی را که از اوآگریوس یا یوحنا ایفانیا می‌گرفت، جانبدارانه کرده به آن لحن انتقادی می‌بخشید که به روشنی ناشی از عصبانیت نویسنده از جنگِ خانمان‌سوزی معاصر بود که خسرو پرویز به بیزانس تحمیل کرد. او که از منابع سریانی چون یوحنا افسوسی هم استفاده کرده نه توجهی به سرزمین‌های غربی و رم و ایتالیا داشت و نه اصلاً لاتین می‌دانست. پرنگ‌تر شدن مسیحیت در کتاب تئوفیلاکت سیموکاتا نسبت به نویسندگان سده‌های پیشین همچون پروکوپئوس، به وضوح قابل دریافت است و نشانی فرهنگی از پایان "عصر باستان" و آغاز "دوران میانه" که در آن دیگر تاریخ یونانی به دو سبک سکولار و مذهبی بخشبندی نمی‌گردد.

### ۱۳-۲- گئورگ پیسیدیا: اشعار:

شاعر درباری و مدیحه‌سرای<sup>۲</sup> هراکلیوس که در جنگ‌های او با ایران حضور داشت و بخشی از دست‌گاه تبلیغاتی امپراتور و همچنین اسقف اعظم<sup>۳</sup> کنستانتینوپل یعنی سرجیوس<sup>۴</sup> به شمار می‌آمد. یکی از نخستین آثار ادبی او "لشکرکشی امپراتور هراکلیوس بر ضد پارس (ایران)"<sup>۵</sup> در سه سرود است که در

1. George of Pisidia
2. Panegyrist
3. Archbishop
4. Sergius
5. De expeditione Heraclii imperatoris contra Persas

نخستین یورش امپراتور به سوی شرق به سال ۶۲۲ سروده شد. لشکرکشی‌هایی که در قالب کلی "مدافعان صلیب" تبلیغ می‌شد. او اثر دیگری هم در پایان جنگ‌ها و پس از سقوط خسرو پرویز با عنوان "درباره سرنگونی خسروی ویرانگر"<sup>۳</sup> برجای گذاشته که از دست رفته ولی ظاهراً به توفانس تاریخنگار سده نهمی رسیده است.<sup>۳</sup> گئورگ تلاش کرده نبرد دو قدرت را در سه پارادایم "اسطوره‌شناختی یونان باستان"، "کتاب مقدسی" و "تاریخی" قرار دهد. در اشعار او امپراتور، هم‌زمان "هراکلیس افسانه‌ای" و "موسای نبی" است. و در برابرش خسرو پرویز، نه تنها یک مشرک و دشمن خدا که جانشینی برای خشایارشا تصویر شده است. با توجه به فقر منابع تاریخی از آن دوره -بر خلاف دوره پیش از آن که با گستردگی روایات روبرویم- از این اشعار گاه برای رسیدن به برداشت‌های تاریخی هم بهره گرفته می‌شود که بهتر است همراه با احتیاط باشد.

#### ۱۴-۲-تئودور سونکلوس<sup>۴</sup>؛ وعظی درباره محاصره کنستانتینوپل:<sup>۵</sup>

یک وعظ یونانی که مضمون آن به جریان محاصره ۹ ماه تا یک ساله کنستانتینوپل پایتخت امپراتوری بیزانس از ۶۲۶ تا ۶۲۷ از سوی دو سپاه هم‌پیمان ایران و آوارها<sup>۶</sup> به دست آمده است به کشیشی به نام تئودور سونکلوس<sup>۷</sup> منسوب گشته است. این روایت، به خوبی نگاه یک فرد مذهبی مقیم پایتخت بیزانس به جنگ نفس‌گیر آن روزگار و به ویژه تصویر او از مهاجمان خارجی را بازنمایی می‌کند.<sup>۸</sup>

1. Defenders Of The Cross
2. De extremo Chosroae Persarum regis excidio
3. See Howard-Johnston, "The Official History of Heraclius' Persian Campaigns, The Roman and Byzantine Army in the East,"
4. *Theodore the Syncellus*
5. A homily on the *seige of Constantinople*
6. Avars
7. سونکلوس (لاتین: سینکلوس) رده‌ای کلیسایی است به معنای هم‌بند.
8. See Pearse, *Theodore the Syncellus, Homily on the siege of Constantinople in 626 AD. English translation*

۱۵-۲- رویدادنامه پاک<sup>۱</sup>:

رویدادنامه‌ای جهانی و عمومی از آدم تا سال ۶۳۰ در پس‌زمینه‌ای کنستانتینوپل-محور از نویسنده‌ای گمنام. این اثر لاتین که پس از پایان جنگ بزرگ تدوین شده، به‌ویژه برای رویدادهای سالهای آخر از جمله سقوط اورشلیم و محاصره کنستانتینوپل از معدود منابع دست اول و معاصر به شمار می‌آید.<sup>۲</sup>

۱۶-۲- نیکه‌فوروس<sup>۳</sup>: تاریخ‌گزیده:

اسقف اعظم جهان‌شمول<sup>۴</sup> کنستانتینوپل از ۸۰۶-۸۱۵ میلادی پس از دو قرن سکوت تاریخ‌نگاری کلیسایی به زبان یونانی در بیزانس، تاریخی مختصر در حدود سالهای ۸۱۴ تا ۸۲۰ نوشت که در بیشتر بخش‌ها چیزی بیش از یک جدول و فهرستی برای رویدادهای مهم از آدم تا اسارت بابلی و از کورش تا اسکندر و از اسکندر تا کلئوپاترا و از سزار تا میکایل دوم نیست. این متن روایتی از جنگ خسرو پرویز با بیزانس دربر دارد که نسبت به منابع موجود کمی استقلال نشان می‌دهد. به‌ویژه در بخش روابط هراکلیوس و شهربراز سردار ساسانی نکات منحصر به فردی روایت شده و از این رو اگرچه در سده نهم تدوین گشته، قاعدتا مولف باید به یکی از منابع سده هفتم دسترسی می‌داشته است. این متن از سالهای فتوحات مسلمانان در خاک بیزانس گذر کرده و خبری از آن نداده است.<sup>۵</sup>

۱۷-۲- تئوفانس اعتراف‌نیوش<sup>۶</sup>: رویدادنامه:

از اشراف کنستانتینوپل در اواخر سده هشتم و اوایل سده نهم (درگذشت ۸۱۸) بود که سپس به کلیسا روی آورده و رویدادنامه‌ای از دوره دیوکلسین<sup>۱</sup> (۲۸۴ میلادی) تا امپراتور معاصر بیزانس؛ لئون ارمنی<sup>۲</sup>

1. *Chronicon Paschale*
2. Whitby & Whitby, *Chronicon Paschale 284-628 (Translated Texts for Historians LUP)*
3. Nikephoros of Constantinople
4. Ecumenical Patriarch
5. See Mango, *Nikephoros, Patriarch of Constantinople: Short History*
6. *Theophanes the Confessor*

(۸۱۳ میلادی) تدوین کرد. گویا خودش چندان نقشی در آن نداشت و گئورگ سونکلوس<sup>۳</sup> بود که مواد این رویدادنامه را با کمک آثار کهن یونانی از مثلث تاریخ کلیسایی دوره تئودوسی (سوکراتس، سوزومن، تئودورت) تا تئوفیلاکت سیموکاتا و سالنامه‌های رسمی بیزانس و البته منابع سریانی فراهم آورد. به‌ویژه برای سده‌های هفتم و هشتم که دو سده تاریخنگاری بیزانس دچار فترت شده بود، ظاهراً این آثار سریانی بود که مواد لازم را در دسترس قرار داد. از این رو اگرچه کتاب تئوفانس و نیکه‌فوروس در سده نهم گردآمده و از بازه زمانی این پژوهش بیرون‌اند، به دلیل کهن بودن آبخورهای‌شان روی پیشخوان ما قرار گرفته‌اند.<sup>۴</sup>

منابع یونانی دیگری چون اوستراتیوس<sup>۵</sup> (شهادت‌نامه گلین‌دخت<sup>۶</sup> از سده هفتم)، سوفرونیوس<sup>۷</sup> که همراه با یوانیس موسخوس<sup>۸</sup> (زندگی یوانیس یا جان بخشنده<sup>۹</sup> از سده هفتم)، فوتیوس اسقف کنستانتینوپل<sup>۱۰</sup> (خلاصه تواریخ، در سده نهم<sup>۱۱</sup>)، سودا<sup>۱۲</sup> (دانشنامه سده دهمی)، گئورگ کیدرنوس<sup>۱۳</sup> (تاریخ گزیده جهان در سده یازدهم) و زوناراس<sup>۱۴</sup> (رویدادنامه سده دوازدهمی بر پایه آثار کهن اکنون مفقودشده) هم به شکل اندک و جزئی در این پژوهش مورد واکاوی قرار گرفته‌اند.

- 
1. Diocletian
  2. Leo V the Armenian
  3. George Synkellos
  4. Mango et al, *The Chronicle of Theophanes Confessor: Byzantine and Near Eastern History, AD 284-813*.
  5. Eustratius
  6. Golinduch
  7. Sophronius
  8. John Moschos
  9. John the Almsgiver
  10. Fotius
  11. Bibliotheca
  12. Suda
  13. George Kedrenos
  14. Zonaras

## ۳- منابع سریانی:

به هنگام برخورد با منابع سریانی نخست باید به این پرسش پاسخ داد که چرا این آثار، "بیزانسی" خوانده شده و جزو منابع اصلی این پژوهش قرار گرفته‌اند؟

نخستین دلیل آن است که ادبیات سریانی اگرچه برخاسته از سنت بسیار باستانی میان‌رودان<sup>۱</sup> است، دستکم در دوره همزمان با فرمانروایی ساسانیان (به‌ویژه سده پنجم به بعد) به شدت زیر تاثیر ادبیات یونانی بود<sup>۲</sup> و درهم‌تبدگی ادبیات یونانی با اندیشه و فرهنگ امپراتوری روم و سپس بیزانس، مفروض ماست. سریانی‌ها از فرهنگ یونانی (پتیدیا<sup>۳</sup>) به شدت بهره می‌بردند<sup>۴</sup> و بخشی از همین سریانی‌ها در قلمرو ایران می‌زیستند و با فرهنگ باستانی شرقی آشنا بودند. بی‌شمار آثار یونانی در این دوره به سریانی ترجمه شدند و آثار تالیفی سریانی هم تا حدودی ادامه‌دهنده سنت‌های ادبیات یونانی بودند. تاثیرگذارترین‌شان دو اثر تاریخی اوزیبوس (تاریخ کلیسایی و رویدادنامه) بود. آثار سریانی عینا از این دو مدل پیروی کردند.<sup>۵</sup> از برخی آثار مهم یونانی، اکنون تنها رونوشت سریانی در دسترس است. ضمن اینکه برخی تاریخنگاران یونانی از مواد سریانی بهره گرفته‌اند. دومین دلیل بستر مشترک مذهبی (مسیحی) و سیاسی (امپراتوری) این دو گروه است که باعث شده نتوان دیواری گذرناپذیر میان منابع یونانی و منابع سریانی بیزانس کشید. از این رو اگرچه به دلیل تفاوت زبانی، متن‌شناسان این دو گروه از یکدیگر مستقل و متمایزند ولی تاریخنگاران دوره‌ای که چندی‌ست پسین‌باستان نامگذاری شده غالباً در بستر تاریخ‌شناسی، چندان تفاوتی میان این دو گروه از منابع قائل نمی‌شوند. در این میان به‌ویژه تاثیرات متقابل سریانی غربی و یونانی بیشتر از سریانی شرقی و یونانی است.

در اینجا این پرسش پیش می‌آید که آیا منابع سریانی شرقی به‌ویژه آنهایی که در دوره ساسانی در قلمرو ایران شهرت‌دوین شده‌اند را می‌توان منابعی بیزانسی دانست یا خیر؟

## 1. Mesopotamia

۲. در این باره بنگرید به براک Brock, II-IV

۳. Paideia البته در زبان یونانی معادلی برای فرهنگ نداشتند و پتیدیا در واقع یعنی پرورش. بنگرید به:

Schott, *Christianity, Empire, and the Making of Religion in Late Antiquity*. p.6.

4. Fitzgerald Johnson, *Oxford Handbook of Late Antiquity*, p.22.

5. Foot & Robinson, *Oxford History of Historical Writing Armenian Historiography*.

منابع سریانی شرقی در عین داشتن پیوندهای ژرف با ادبیات سریانی غربی (تدوین در قلمرو بیزانس) و داشتن نگاه مذهبی متعصبانه به رویدادها، به‌رحال در درون مرزهای ایران نگاشته‌شده و برخی از آنان چون مجموعه گزارش‌های شوراهای کلیسایی<sup>۱</sup> زیر نظارت مقامات ایرانی بوده‌اند. با این حال دستکم در بخش تصویر دین و اوضاع دینی در ایران تفاوتی میان نگاه سریانی شرقی (در درون قلمرو ساسانی) و سریانی غربی (بیزانس) دیده نمی‌شود.

### ۱-۳- یوشع ستون‌نشین: رویدادنامه:

رویدادنامهٔ سریانی که به یوشع ستون‌نشین نسبت داده شده، احتمالاً در سدهٔ ششم نگاشته شده است. این کتاب پس از ذکر رئیس اخبار ژولیان مرتد<sup>۲</sup>، روایتی از تاریخ شاهان ساسانی پیروز (۴۸۴-۴۵۷) و بلاش (۴۸۸-۴۸۴) ارائه کرده و آنگاه به بحث اصلی مورد نظر خود یعنی درگیری‌های ایران و بیزانس در زمان قباد (۵۳۱-۴۸۹) و آناستاسیوس (۵۱۸-۴۹۱) تا سال ۵۰۶ میلادی می‌پردازد. در واقع با توجه به اینکه سرزمین مولف (ذوقنین<sup>۳</sup> نزدیک آمیدا<sup>۴</sup>) در میانهٔ میان‌رودان و ارمنستان، عملاً میدان جنگ دو قدرت بوده، این اثر یکی از بهترین منابع دست اول ما برای دورهٔ یاد شده خواهد بود. نگاه آشکارا هوادارانهٔ مولف سریانی نسبت به امپراتوران غربی و احساسی که نسبت به تقابل با ایران دارد، ثابت می‌کند که برای شناخت تصویر بیزانسی از ایران و ایرانی، نباید منابع را به صرف سریانی‌زبان بودن از منابع یونانی بیزانس جدا کرد.<sup>۶</sup>

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

1. Synodicon Orientale
2. Joshua the Stylite
3. Julian the Apostate
4. Zuqnin
5. Amida در شرق ترکیه امروزی
6. See Write, *The Chronicle of Joshua the Stylite*.



۳-۲- رویدادنامه اِدِسا:<sup>۱</sup>

متنی شامل فهرستی از رخدادها و شخصیت‌های کلیسایی مرتبط با شهر اِدِسا (اورهای<sup>۲</sup>، ارفه<sup>۳</sup>) که سده دوم تا ششم را دربر می‌گیرد به زبان سریانی یافت شده که به آن رویدادنامه اِدِسا گویند. این اثر تاریخ را تا سال ۵۴۰ میلادی که دور تازه‌ای از جنگ‌های انوشیروان و ژوستینیان آغاز می‌گردد، پی می‌گیرد و ظاهراً از بایگانی سرشناسِ درباری اِدِسا بهره برده است.<sup>۴</sup>

۳-۳- زکریای دروغین<sup>۵</sup>: رویدادنامه:

زکریای سخن‌ور اسقف میتیلن<sup>۶</sup> در یونان، در سده پنجم در غزه متولد شد. او احتمالاً پیش از ۵۵۳ میلادی درگذشته است. زکریا ظاهراً تاریخی کلیسایی تا اواخر سده پنجم به یونانی نوشته که از دست رفته هرچند اواگریوس از آن بسیار بهره برده است. با این حال در سده ششم میلادی مولفی مونوفیزیت<sup>۷</sup> اهل آمیدا رویدادنامه‌ای به "سریانی" نوشته که به زکریا نام‌ور شده است. امروزه این اثر را با عنوان "رویدادنامه زکریای دروغین"<sup>۸</sup> می‌شناسند. او تاریخ را از آغازین سالهای امپراتوری آناستاسیوس در حدود ۴۹۰ تا آغازین سالهای دوره ژوستن دوم ۵۶۸-۵۶۹ نوشت. مولف کتاب موجود که اختصاراً PZ خوانده می‌شود را بیشتر باید یک گردآورنده دانست تا تاریخ‌نگار. او از منابعی که امروزه به دست ما نرسیده

1. Chronicle of Edessa

2. Urhai

3. Urfa

4. See Pearse, *The Chronicle of Edessa*

5. P.S. Zacharias

6. *Zacharias the Rhetor of Mytilene*7. *Monophysite* تک‌ماهیت‌گرایان گروهی از مسیحیان ارتدکس بودند که مصوبات شورای کلیسای خالکیدون را نپذیرفتند.8. *Chronicle of Ps.Zacharias*

مجموعه‌ای به سریانی گردآورده است. محتویات کتاب هفتم این اثر در رویدادنامه سریانی ۱۲۳۴ هم نقل شده و مفاد بیشتری از آن در تاریخ مفصل سریانی اثر میخاییل سوری هم دیده می‌شود.<sup>۱</sup>

#### ۳-۴- یوحنا افسوسی<sup>۲</sup>:

یوحنا افسوسی در آمیدا در حدود سال ۵۱۶ میلادی زاده شد. او اگرچه یک مونوفیزیت بود، به دلیل پشتیبانی شهبانو تئودورا در آن دوره می‌توانست به مقامات بالا برسد. از این رو به امپراتور ژوستینیان نزدیک شده و ماموریت‌های مهمی از او در لیدیه و کاریه و فریگیه دریافت کرد و مدتی به عنوان اسقف افسوس<sup>۳</sup> به خدمت پرداخت و در بازگشت به پایتخت مامور تفتیش و تجسس در مسئولان به‌ظاهر مسیحی که در خفا آیین‌های مشرکانه غیرمسیحی به جای می‌آوردند گشت. بسیاری از مقامات کشوری و لشکری تصفیه شدند که مهمترینش فوکاس فرماندار نظامی<sup>۴</sup> پایتخت بود که با زهر خودکشی کرد و به دستور امپراتور جنازه‌اش را در چاه انداختند.<sup>۵</sup> اثری از خود به جای گذاشت به زبان سریانی در سه بخش که دو بخش نخست به صورت کامل به دست ما نرسیده است. هرچند احتمالاً بخش دوم را دیونیسوس رونویسی کرده است. بخش سوم شامل هفت کتاب که رویدادهای معاصر با خود نویسنده از دوره ژوستینیان تا موریس را دربر دارد، به دست آمده است.<sup>۶</sup>

#### ۳-۵- یعقوب اِدسائی<sup>۷</sup>: رویدادنامه:

رویدادنامه‌ای در حدود سالهای ۶۸۸ تا ۷۰۸ میلادی در اِدسا تنظیم شده که به یعقوب اسقف شهر منسوب گشته است. پاره‌هایی از این اثر که رئوس رویدادهای کلیسایی و سیاسی - عمدتاً معطوف به

1. See Greatrex, *The Chronicle of Pseudo-Zachariah Rhetor: Church and War in Late Antiquity*

2. *John of Ephesus*

۳. اِفِس در غرب ترکیه امروزی.

4. *prefect*

5. Smith, *Ecclesiastical History of John Bishop of Ephesus*, VI - VII

6. *Ibid*

7. James of Edessa

بیزانس - را از پایان رویدادنامه اوزیویوس به سال ۳۲۴ میلادی تا سال ۶۹۴ میلادی دربر دارد، به دست آمده است. این متن با سخن از مشی و خواست الاهی مبنی بر این که «عرب‌ها از جنوب به قدرت رسیده و شمال را سوختند و تخریب کردند و مردمانش را کشتند» به پایان می‌رسد.<sup>۱</sup> ظاهراً این اثر نمی‌تواند تمام کار نام‌آور یعقوب باشد که بعداً میخاییل سوری بسیار از آن نقل کرده است. بلکه باید صرفاً خلاصه‌ای از آن را دربر گرفته باشد. این متن در عین همسانی‌هایی که با آثار کهن‌تر از خودش مانند زکریای دروغین نشان می‌دهد، تفاوت‌های جالبی هم دارد<sup>۲</sup> که باعث می‌شود نویسنده را دارای آبخورهایی جدا از آثار دیگر که مستقلاً به دست ما رسیده، بدانیم.<sup>۳</sup>

#### ۳-۶- مجموعه متون تاریخی سریانی غربی:

اندرو پالمر<sup>۴</sup>، پژوهشگر سریانی‌شناس تلاش کرده شماری از متون تاریخی سریانی غربی (مونوفیزیستی) از سده هفتم شامل رویدادنامه یا آثار تاریخ‌نگارانه را به گرد هم بیاورد.<sup>۵</sup> یکی بودن بستر شکل‌گیری این آثار و نزدیکی نسبی ژانر آنها باعث شده می‌شود تا این متون کوتاه را بتوان در قالب یک منبع رده‌بندی کرد. این آثار مانند دیگر آثار سریانی غربی، نگاهی "نسبتاً بیزانسی" به ایران دارند و تا حدودی سکتۀ تاریخ‌نگاری یونانی بیزانس در سده هفتم را جبران می‌کنند. از مهمترین آنان می‌توان به رویدادنامه‌های بی‌نام ۶۸۱۹<sup>۶</sup> و ۸۴۶<sup>۷</sup> اشاره کرد. رویدادنامه‌هایی بی‌نام که رخدادها را از مسیح تا سال ۸۱۹ و ۸۴۹ میلادی پی‌گیری می‌کنند. نویسنده متنی ۸۱۹ احتمالاً یک راهب مونوفیزیت از ماردین<sup>۸</sup> (شمال میان‌رودان) بوده

1. Year 1019: p.324

۲. برای نمونه: شورش ژولیان ضد کنستانتیوس، امپراتوری مشترک چهارساله تیبیریوس و یوستین دوم یا زمان فتح اِدِسا که در این منبع پس از سرکار آمدن هراکلیوس ذکر شده است.

3. See Brooks, *The Chronological Canon of James of Edessa*.

4. Andrew Palmer

5. Palmer, *The Seventh Century in the West-Syrian Chronicles*.

6. *Chronicon anonymum ad 819*

7. *Chronicon anonymum ad 846*

8. Mardin

است. مطالب آن بعداً در رویدادنامه ۸۴۹ هم آمده است. همچنین پالمر تلاش کرده تاریخ غیرکلیسایی دیونیسوس تِل مَحْرَه را بازسازی کند: اسقف یعقوبی (مونوفیزیته) سدهٔ نهم که تاریخ سالهای ۵۸۲ تا ۸۴۲ میلادی را بر پایه منابع گوناگون سریانی و یونانی (و شاید شرقی) در دو بخش کلیسایی و غیرکلیسایی (سکولار) در حدود سالهای ۸۰۵-۸۰۶ میلادی نوشت. این اثر گرانبها البته از دست رفت ولی خوشبختانه در آثار دیگر سریانی چون میخاییل سوری و به‌ویژه رویدادنامه بی‌نام ۱۲۳۴ - به‌ویژه در کتاب دوم به صورت نسبتاً امانت‌دارانه - ضبط شده و به دست ما رسیده است. اثر مهم دیگر، رویدادنامه تئوفیلوس اِدَسایی است که آنرا باید یکی از پل‌های مهم پیونددهندهٔ منابع سده هفتم؛ پیش از فتوحات اسلامی و منابع سده نهم به بعد دانست. تئوفیلوس دانشمند و ستاره‌شناس یونانی-سریانی‌زبان و مارونی‌مذهب المهدی خلیفه عباسی بود و با از دست رفتن اصل تاریخ تئوفیلوس، محتوای آن از طریق دیونیسوس - که بعداً آن‌هم از دست رفت - به میخاییل سوری و رویدادنامه ۱۲۳۴ رسید. همچنین ظاهراً نسخهٔ یونانی تاریخ تئوفیلوس مورد بهره‌برداری تئوفانس یونانی‌نویس و آگاپیوس عربی‌نویس هم بوده است. رابرت هولند، پژوهشگر برجستهٔ تاریخ نخستین اسلام، تلاشی درخور برای بازسازی این اثر کرده است.<sup>۱</sup> به هر روی، اگرچه این آثار در سده‌های هشتم تا سیزدهم نگارش یافته‌اند، متخصصان، آبشخور این کتاب‌ها برای رویدادهای سدهٔ هفتم را معاصر با همان سده می‌دانند.

آثار سریانی شرقی چون شهادت‌نامه‌ها و قدیس‌نامه‌ها نیز بسیار قابل مطالعه‌اند. از جمله رویدادنامه الیاس نصیبینی<sup>۲</sup> (یا الیاس برسیناجا<sup>۳</sup>) مطران نصیبین در سالهای ۹۷۵-۱۰۴۶ میلادی که تاریخ عمومی جهان از آفرینش تا سال ۱۰۱۸ میلادی را روایت می‌کند. رویدادنامه گویدی، نام‌ور به رویدادنامه خوزستان که در واقع نه رویدادنامه است و نه بیشتر آن پیوندی به خوزستان دارد<sup>۴</sup> تا حدودی

1. Hoyland, *Theophilus of Edessa's Chronicle and the Circulation of Historical Knowledge in Late Antiquity and Early Islam*.

2. Elijah of Nisibis

3. Elijah bar inja

۴. در این باره بنگرید به روشن‌ضمیر و غضنفری.

یک تاریخ کلیسایی در سنت شرقی و نستوری است که از داستان شورش بهرام رازی بر ضد هرمزد چهارم آغاز شده و تا سال ۶۴۹ میلادی در دوره فتوحات عرب‌ها ادامه می‌یابد.<sup>۱</sup> کتاب مهم دیگر تاریخ گزیده جهان از یوحنا برینکایه<sup>۲</sup> راهب صومعه‌ای در شمال میان‌رودان است. کتاب نهم آن به فرقه‌ها می‌پردازد و آگاهی‌هایی از دین زردشتی به دست می‌دهد و کتاب‌های چهاردهم و پانزدهم به تاریخ تا اواخر سده هفتم اختصاص دارد. همچنین رویدادنامه اربیل<sup>۳</sup> از مولفی گمنام احتمالاً در سده ششم میلادی در آدیابنه به مرکزیت اربیل (یعنی در قلمرو ساسانیان) و البته مجموعه گزارش‌های شوراهای کلیسای شرق (عنوان لاتین: سینودیکون اورینتاله<sup>۴</sup>).

#### ۴- منابع قفقازی (ارمنی، گرجی):

قفقاز<sup>۵</sup> از نظر فرهنگی و بافت مذهبی در دوره ساسانی، با مناطق سریانی‌نشین میان‌رودان و سوریه همسانی فراوان دارد. مسیحیت در هر دو سرزمین خیلی زود گسترش یافته و سنگرهای سیاسی خود را هم خیلی زودتر در این دو سرزمین بنا کرد (پادشاهی اِدسا در میان‌رودان و پادشاهی ارمنستان). پس از تجزیه کلیساها و تشکیل مذاهب مسیحی در سده پنجم، اکثریت هر دو سرزمین، مذهب مونوفیزیتی (تک‌ماهیت‌گرایی)<sup>۶</sup> را به دو مذهب دیگر یعنی نستوری<sup>۷</sup> و ارتدکس خالکیدونی<sup>۸</sup> که اتفاقاً از سوی دو قدرت ایران و بیزانس پشتیبانی می‌شدند ترجیح دادند. با این حال از نظر جغرافیایی و اداری و سیاسی، میان‌رودان ایرانی<sup>۹</sup>، نزدیکتر از قفقاز به ایران‌شهر بود و اگر در سنگ‌نوشته‌های کرتیر<sup>۱۰</sup>، ارمنستان و

۱. رضاخانی و امیری باوندپور، رویدادنامه موسوم به خوزستان.

2. John bar Penkaye

3. *Chronicle of Arbela*

4. *Synodicon Orientale*

5. *Caucasia*

۶. *Oriental Orthodoxy* ارتدکس مشرقی

۷. *Church of The East* کلیسای شرق

۸. *Eastern Orthodoxy* ارتدکس شرقی

۹. میان‌رودان در دوره اشکانی و ساسانی دو بخش ایرانی و رومی داشت.

گرجستان جزو ایران و نه ایران، قرار گرفته‌اند، می‌دانیم که آسورستان "دلِ ایرانشهر" بود.<sup>۲</sup> با این همه از نظر فرهنگی درست برعکس، می‌توان مردمان قفقاز را که بسیاری از آنان پیش از سده چهارم مزداپرست بودند،<sup>۳</sup> نزدیکتر به ایرانیان دانست. پس چه چیزی باعث می‌شود تا منابع پر و پیمان قفقازی هم‌دوره با ساسانیان را هم بخشی از چتر فرهنگی بیزانس گرفته و به دنبال "تصویر ایران و ایرانیان از نگاه بیزانس" در میان آنها بگردیم؟

نخستین دلیل، پیوند منابع ارمنی و گرجی با منابع سریانی و یونانی است. اگر وجود زاویه دید و رویکرد بیزانسی در منابع "سریانی غربی" و "یونانی" را مفروض بگیریم، پس از درک اینکه ادبیات ارمنی و گرجی بیشتر زیر تاثیر ادبیات یونانی و سریانی بوده است،<sup>۴</sup> آنگاه چاره‌ای جز پذیرش متاثر شدن آنها از "نگاه بیزانسی" نداریم. در واقع ادبیات قفقازی اگر هم کودکی زائیده شده از دل سپهر فرهنگی و تمدنی ایران بود،<sup>۵</sup> ولی این کودک به پدر و مادری دیگر (یعنی ادبیات سریانی و یونانی) سپرده شده و در دامان آنان تربیت یافت. پس از مسیحی شدن قفقاز و تا زمان اختراع الفبا به دست مسروپ ماشوتوس<sup>۶</sup> در سده پنجم (دوره یزدگرد یکم ساسانی) خود دولت ایرانشهر از ترویج زبان و ادب سریانی در ارمنستان مسیحی در برابر زبان و ادب یونانی - که بیزانس را نمایندگی می‌کرد - پشتیبانی می‌کرد. با این همه جناحی قدرتمند

1. KSM, 16-18

2. See MacKenzie, " R N, R N HR" Encyclopædia Iranica Vol. VIII, Fasc. 5, p. 534.

3. See Russell, Zoroastrianism in Armenia.

۴. ترجمه از آثاری چون کتاب مقدس، تاریخ اوزیوس، آثار فلسفی فیلو و هرمس از زبان یونانی و اعمال شهیدان از زبان سریانی بنگرید به

Thomson, "E I "Encyclopædia Iranica, VIII/4, pp. 365-366. ; Greenwood, pp.198-207 and McDonough, p.20.

۵. انبوه وام‌واژه‌های ایرانی مرتبط با نگارش در زبان ارمنی کلاسیک چون دبیری و ماتیان نشانگر پیوندهای نخستین است. ولی ارمنی پس از صورت مکتوب یافتن به سنت‌های یونانی و سریانی موجود در سنگ‌نوشته‌های پیشامسیحی آن سرزمین و کتابهای مسیحی می‌نگریست.

6. Mesrop Ma tots

از ادیبان و دین‌مردان ارمنی، "یونانی" را ترجیح می‌دادند و برای نمونه آگاتانگوس<sup>۱</sup> تاریخ تیرداد سوم (۲۸۷-۳۳۰ میلادی) را به "یونانی" نوشت.<sup>۲</sup>

#### ۴-۱- منابع ارمنی:

اختراع خط ارمنی و سپس گرجی، انقلابی بر ضد سریانی بود و تاریخ‌نگاران و اندیشمندان چون موسی خورنی، یزینیک و غازار، یونان‌دوست و یونانی‌دان بودند و فرهنگ و زبان آن‌را به ایران ترجیح می‌دادند. آنان در کنستانتینوپل و اِدسا و اورشلیم درس خوانده و با زبان‌های یونانی و سریانی آشنا بودند. از این رو با وجود شمار فراوان وام‌واژه‌های ایرانی (پارتی) در زبان ارمنی و علاقه ارمنیان به دودمان آرشاکونی (اشکانیان ارمنستان<sup>۳</sup>) در مجموع می‌توان گفت آنان پس از مسیحی‌شدن از گذشته مشترک خود با ایرانیان بریدند.

با تمام این‌ها اختلاف مذهبی میان قفقازیان مونوفیزیت و کلیسای یونانی خالکیدونی باعث شد تا ارمنستان و گرجستان بر روی بازه‌ای فرهنگی که یک‌سر آن ایران و سر دیگر آن بیزانس بود، همچنان جایی در میانه، "نه خیلی دور و نه خیلی نزدیک" نسبت به ایران قرار گیرند. در این میان، گرجستان در عین دورتر بودن جغرافیایی نسبت به ارمنستان، اتفاقاً به سنت‌های ادبی و تاریخ‌نگاری ایرانی نزدیک‌تر بود.<sup>۴</sup> همچنین باید توجه داشت که رونوشت‌هایی ارمنی یا گرجی از آثار یونانی و سریانی مفقودشده وجود دارد که باعث می‌شود مجبور باشیم زاویه دید غربی را از دریچه زبان و ادب قفقاز بررسی کنیم.

1. Agathangelos ;

۲. رونوشت‌هایی از آن به زبان سریانی نیز موجود است و دلیل دیگریست بر درهم‌تنیدگی ادبیات ارمنی با یونانی و سریانی.

3. Ar akuni

4. Rapp, *The Sasanian World through Georgian Eyes: Caucasia and the Iranian Commonwealth in Late Antique Georgian Literature*

۱-۱-۴-پاوستوس<sup>۱</sup>: تاریخ ارمنیان<sup>۲</sup>:

شهرتِ او (بوزند) و زبان اصلی کتاب او مورد مناقشه‌اند.<sup>۳</sup> او را با نام فاوستوس بیزانسی<sup>۴</sup> هم می‌شناسند ولی به نظر می‌رسد نام خانوادگی‌اش پیوندی به بیزانس نداشته باشد.<sup>۵</sup> برخی کتاب او را اصالتاً یونانی و ترجمه‌شده به ارمنی می‌دانند و بقیه این اثر را ارمنی‌الاصول می‌گیرند. او که از بخش رومی ارمنستان بود، کتاب، تاریخ ارمنستان را از ۳۱۷ میلادی پس از درگذشت تیرداد سوم در دوره آرشاک دوم و سپس پاپ‌شاه<sup>۶</sup> در دورهٔ شاپور دوم (۳۷۹-۳۰۹) و چندی پس از او تا تجزیه ارمنستان به سال ۳۸۷ میلادی پی می‌گیرد. به نظر می‌رسد این اثر در سدهٔ پنجم نوشته شده باشد. نه تنها اختراع خط ارمنی در حدود سال ۴۰۵ میلادی ما را بر آن می‌دارد هر کتاب ارمنی را پس از این تاریخ جانمایی کنیم. بلکه تحلیل محتوا<sup>۷</sup> و تحلیل گفتمان<sup>۸</sup> تاریخ پاوستوس نشان از یک فاصله نسبتاً زیاد با رویدادهای مورد بحث دارد.

۱-۲-۴-یزنیک کوغباتسی<sup>۹</sup>: ردیه بر فرقه‌ها<sup>۱۰</sup>:

یزنیک اهل کوغب که او را به لاتین ایزنیک اهل کولب می‌خوانند، دستیار جاثلیق (کاتوگیکوس<sup>۱</sup>) اسحاق و همچنین مسروپ ماشتوتس بود. و به راهنمایی آنان به اِدسا و کنستانتینوپل رفت و آموزش

1. P wstos

2. *Patmut iw Hayoc*

۳. بنگرید به سارکیسیان، تاریخ ارمنیان پاوستوس بوزند، ص ۱۷-۲۳.

4. *Faustus of Byzantium*

۵. برخی بوزنداران را به معنی تواریخ حماسی گرفته‌اند. نک:

Russel, "FAUSTUS", *Iranica*, Vol. IX, Fasc. 5, pp. 449-451.

6. Pap

۷. *Content Analyses* در این مورد، بررسی ادبی اشارات به کتاب مقدس در این اثر نشان می‌دهد که مولف کتاب

مقدس ارمنی که مسروپ ماشتوتس و ساهاک جاثلیق پس از ۴۳۰ ترجمه کردند را در دست داشته.

۸. *Discourse Analyses* در این مورد، لحن مولف به گونه‌ای است که انگار از سرنگونی پادشاهی آرشاکونی ارمنستان

به سال ۴۲۸ آگاه است.

9. *Yeznik Koghbatsi*

10. *Refutation of the Sects*



دید. او را برای اثر مهمش "ردیه بر فرقه‌ها" می‌شناسیم، که یکی از بهترین منابع برای شناخت تصویر مسیحیان دوره ساسانی از دین و فلسفه ایرانیان و زردشتیان است. او در این کتاب به‌ویژه با حمله به اصالت وجودی شیطان، تلاش می‌کند مسیحیان را از هرگونه همسانی با ثنوی مذهبانی چون زروانیان و مانویان تبرئه سازد و سپس به بنیادهای فکری اندیشه‌های ایرانی و یونانی بتازد.<sup>۲</sup>

### ۳-۱-۴- یغیشه واردپت<sup>۳</sup>: تاریخ واردان و جنگِ ارمنی:

دیگر تاریخنگار دوره کلاسیک ارمنی یغیشه است. او پیش از درگذشتش به سال ۴۷۵ میلادی اثری درباره جنگ نیروهای قفقازی به رهبری واردان مامیکونیان ارمنی بر ضد ساسانیان آفرید که از نظر ادبی یکی از شاهکارهای کلاسیک ادبیات ارمنی باستان به شمار می‌آید. اثری که پس از اختراع خط ارمنی یک گام دیگر به جلو برداشته و ادبیاتی پاکیزه از واژگان یونانی سامان داد. یکی از بخش‌های مهم یغیشه نامه‌های دربار ایران در دوره یزدگرد دوم به بزرگان ارمنی برای متقاعدکردن آنان به بازگشت به دین نیاکانی مزدپرستی است که با تحلیل و بررسی جزئیات آن می‌توان به تماشای ایران و دین ایران را از دریچه چشمان ارمنیان نشست.<sup>۴</sup> این بخش از یغیشه مکمل خوبی برای کتاب یزینیک است و جالب آنکه تحلیل محتوای نامه دربار ایران به ارمنیان در نقد مسیحیت، آشکارا ما را به یاد کتاب پهلوی شکندگمانیک وزار می‌اندازد.<sup>۵</sup>

### ۴-۱-۴- غازار پارتسی<sup>۶</sup>: تاریخ ارمنستان و نامه به واهان مامیکونیان:<sup>۷</sup>

1. Catoghikos
2. See Kaprielian, *Refutation of the Sects*.
3. Yeghishe or E i aṙdapet
4. این نامه‌ها در غازار هم خلاصه‌تر آمده است.
5. See Thomson, *The History of Vardan and the Armenian War* (Classical Armenian Texts) (English and Armenian Edition)
6. *Ghazar or Lazar P arpec i*
7. *History of Armenia and Letter to Vahan Mamikonean*

غازار که او را گاه با خوانش لاتینی نامش لازاروس فارپنسیس<sup>۱</sup> هم می‌شناسند در پارپی (نزدیکی ایروان) زاده شد و در اواخر عصر زرین تاریخنگاری ارمنی یعنی سده پنجم میلادی (تا حدود سال ۵۰۰ میلادی) به نگارش دو شورش بزرگ ارمنیان با همراهی دیگر اقوام قفقازی بر ضد ساسانیان پرداخت. نخست شورش واردان مامیکونیان<sup>۲</sup> که به مرگ تراژیک این قهرمان ارمنی در نبرد آوارایر<sup>۳</sup> به سال ۴۵۱ میلادی منجر شد و دیگری شورش واهان مامیکونیان برادرزاده واردان مامیکونیان، دوست دوران کودکی غازار در سالهای ۴۸۰-۴۸۴ میلادی که البته اینبار به صلح و آشتی میان ایرانیان و ارمنیان انجامید. غازار<sup>۴</sup> در دیباچه خود دقیقاً از جایی که پاستوس کتاب را پایان داده بود (یعنی سال ۳۸۷ میلادی) تاریخ را آغاز می‌کند تا سلسله تاریخنگاران ارمنی در آن عصر زرین تاریخنگاری ارمنستان گسسته نشود.<sup>۵</sup>

#### ۵-۱-۴- سبتوس: تاریخ خسرو:<sup>۶</sup>

پس از یک فترت صد و پنجاه ساله با اثری تاریخی بدون عنوان و بدون نویسنده مشخص به زبان ارمنی از سدهٔ هفتم میلادی روبرویم که به اسقفی ارمنی به نام سبتوس منسوب شده است. این کتاب رویدادها را با تمرکز بر جنگ‌های خارجی (ایران - بیزانس و سپس فتوحات عرب) از سال ۵۹۰ یعنی سرنگونی هرمزد چهارم (۵۷۹-۵۹۰ میلادی) و درگیری بهرام چوبین و خسرو پرویز تا جنگ‌های داخلی مسلمانان که با پیروزی پایانی معاویه به انجام رسید (۶۶۱ میلادی)، پی‌می‌گیرد. نخستین ویراستار آن تادئوس مهردادیان<sup>۸</sup> آنرا تاریخ هراکلیوس<sup>۹</sup> اثر سبتوس اسقف نام‌گذاری کرد. ولی پژوهشگران بعدی نشان داده‌اند

1. Lazarus Pharpensis;
2. Vardan Mamikonean
3. Avarayr
4. See Muradyan, "AZAR P'ARPEC," *Encyclopædia Iranica*, online edition
5. See Bedrosian, *Ghazar P'arpec'i's History of the Armenians*.
6. Sebeos
7. History of Khosrow
8. T ad os Mihrdatean
9. History of Heraclius

که کتاب یادشده، پیوندی با این متن ندارد.<sup>۱</sup> کاراکتر مرکزی این اثر، نه هراکلیوس که خسرو پرویز است: «آن انسانی که مسئول به‌بار آمدن این همه ویرانی به کل جهان است». از این رو هوارد-جانستون<sup>۲</sup> کتاب را «تاریخ خسرو» نامگذاری می‌کند.<sup>۳</sup>

#### ۶-۱-۴- موسی خورنی (موسس خورناتسی)<sup>۴</sup>: تاریخ ارمنستان:<sup>۵</sup>

نام‌دارترین تاریخ‌نگار ارمنی و "پدر تاریخ ارمنستان"<sup>۶</sup> موسی خورنی دانسته می‌شود که تاریخ ارمنستان را از آغاز تا سرنگونی پادشاهی آرشاکونی (۴۲۸ میلادی) روایت می‌کند. پدر تاریخ ارمنستان بودن موسی خورنی، شباهتی به پدر تاریخ بودن هروُدت ندارد. اگر چنانکه مولف ادعا می‌کند اثر را از سده پنجم بدانیم، غازار پارپتسی همدوره او و آگاتانگوس و پاستوس و یغیشه پیش از او دست به قلم شدند. ولی خورنی چهار ویژگی متمایزکننده دارد: نخست ارائه روایتی -هرچند حماسی و اساطیری- از تاریخ ارمنستان از آغازش -نه مانند نام‌های یاد شده به شکل مقطعی- و دوم محبوبیتی که این کتاب در اعصار بعدی در میان ارمنیان یافت و حالت همگانی پیدا کرده و همیشه تدریس می‌شده است. سومین دلیل اهمیت خورنی، زبان فاخر این اثر در مقایسه با زبان معمولی پاستوس و غازار است که باعث شده کتاب موسی نمونه‌ای خوب از ادبیات ارمنی کلاسیک باشد و چهارم عشق و تعصب مولف به ارمنستان و حس وابستگی شدیدش به ملت ارمنی در عین باور ژرفش به دین مسیحیت که تاریخ خورنی را مانند شاهنامه برای ایرانیان، یک شناسنامه هویتی برای آن ملت گردانده است. با این همه در صد و پنجاه سال اخیر مناقشه‌ای سخت بر سر تاریخ راستین این اثر و اصالت نسبت آن به موسی خورنی برپا گشته است.<sup>۷</sup> در مجموع به نظر می‌رسد مولف به دوره اسلامی تعلق داشته باشد؛ زمانی میان سده هفتم تا دهم میلادی. با

1. Howard-Johnston, SEBEOS, Encyclopædia Iranica, online edition,

2. Ibid

3. Thomson & Howard-Johnston, *The Armenian History Attributed to Sebeos*

4. Movses Xorenac'i

5. Patmut iwn Hayoc

6. Patmahayr

7. Garsoïan, "MOVS SXORENAC 'I Encyclopædia Iranica, Online Version.

این‌حال او همهٔ تلاش خود را کرده تا از منابع کهن بهره بگیرد و از این رو کمتر پژوهشگری آنرا به عنوان یکی از منابع اصلی تاریخ دوره ساسانی کنار می‌گذارد. این کتاب برخلاف آثار دوره زرین تاریخ‌نویسی ارمنستان چون یغیشه و غازار - که خاندان مامیکونیان را در مرکز قهرمانی‌های ملت ارمنی قرار می‌دهند - بر خاندان باگراتونی<sup>۱</sup> تمرکز می‌کند که این هم دلیل دیگری بر آن است که بنابر تحلیل گفتمان، کتاب را متعلق به دوره فرمانفرمایی باگراتونی‌ها (از ۷۷۰ میلادی) یا امارت موروثی بزرگ<sup>۲</sup> آنان (از ۸۰۴ میلادی) و یا پادشاهی آنان (از ۸۸۵ میلادی) بدانیم. آنچه برای ما مهم است، و فاصلهٔ ذهنی کمتر با ایران و درک نزدیک‌تر مولف این اثر با داستان‌های ایرانی است. با این‌همه او آشکارا یک یونان‌دوست است و در نبرد سنگین دو قدرت، طرف غربی را ترجیح می‌دهد.<sup>۳</sup>

#### ۷-۱-۴- موسی داسخورانی (موسس داسخورانتسی<sup>۴</sup>) تاریخ سرزمین آغوان:<sup>۵</sup>

موسی کاغانکاتواتسی<sup>۶</sup> ظاهراً مولفی ارمنی از سدهٔ هفتم بوده که تاریخ را از آفرینش تا دوره فتوحات اسلامی نگاشته است و برخی از پژوهشگران احتمال می‌دهند که موسی داسخورانتسی ویراستاری از سدهٔ دهم بوده که جلد سوم را به دو جلد پیشین افزوده است. کتاب تلاش کرده بر سرزمین آران یا آلان<sup>۷</sup> در شمال ارس و کرانه غربی دریای کاسپی و شرق ارمنستان که منابع ارمنی آنرا آغوان<sup>۸</sup> و منابع یونانی آلبانیا<sup>۹</sup> خوانده‌اند، تمرکز کند.

#### ۲-۴- متون گرجی:

1. Bagratuni

2. Ishkhanats ishkhan: Prince of princes

۳. بنگرید به باغداساریان (گرمانیک)، تاریخ ارمنیان اثر موسس خورانتسی (موسی خورنی).

4. Movses Dasxuranc i

5. Patmut iwA uanic

6. Kaghankatvatsi

7. Arran

8. A uan

9. Albania

ادبیات گرجی و تاریخنگاری گرجی<sup>۱</sup> همچون دیگر زمینه‌ها در ادامه و متأخر از ادبیات و تاریخ ارمنی سامان یافت و همچون مذهب، کلیسا و انتخاب‌های سیاسی، در این زمینه هم گرجستان شرقی یا کارتلی<sup>۲</sup> یا ایبریای قفقاز<sup>۳</sup>، چشم به ارمنستان دوخته بود. ولی با سرنگونی ساسانیان این دو سرزمین به مسیرهای متفاوتی رفتند. کارتولیان<sup>۴</sup> به مذهب خالکیدونی گرویده و به بیزانس متمایل شدند، حال آنکه ارمنیان مستقل‌تر ماندند. آثار تاریخی و سرگذشت‌نامه‌ها<sup>۵</sup> (شامل شهادت‌نامه<sup>۶</sup> و قدیس‌نامه<sup>۷</sup>) از سده هفتم یعنی واپسین سالهای دوره ساسانی آغاز شدند. آثاری چون سرگذشت شوشانیک و اوستاتی<sup>۸</sup> و آثار منسوب به لئونتی مژولی<sup>۹</sup> در سده یازدهم با عنوان سرگذشت کارتلی<sup>۱۰</sup> شامل سرگذشت شاهان<sup>۱۱</sup>، سرگذشت قدیسه نینو<sup>۱۲</sup>، سرگذشت جانشینان میریان<sup>۱۳</sup> و سرگذشت واختانگ گرگاسالی<sup>۱۴</sup> و تکمیل آن با منسوب به اثر جوانشیر جوانشیریانی<sup>۱۵</sup>، شامل متونی از سده‌های هفتم تا یازدهم‌اند که

۱. در اینجا منظور ادبیات گرجستان شرقی یا گرجستان بزرگ به زبان خودشان کارتلی و به یونانی ایبریا است.

2. *Kartli*
3. *Caucasian Iberia*
4. *kartvelians*
5. *Vitae*
6. *Martyrdom*
7. *Hagiography*
8. *The Vitae of Iovannik and Evstatii*
9. *Leonti Mroveli*
10. *Kartlis Tskhovreba: Life of Kartli*
11. *The History of the Kings*
12. *The History of st.Nino*
13. *The Life of the Successors of Mirian*
14. *The History of Vaxtang Gorgasali*
15. *Untitled continuation by Ps.-Juan el Juan eriani*

تامسون اصلِ گرجی و رونوشتِ ارمنیِ آنان را به انگلیسی ترجمه کرده<sup>۱</sup> و استفان رپ با پژوهش بر آنها رهگذری نوین بر تاریخ ساسانیان با عنوان جهان ساسانی از دریچه چشم گرجیان آبر ساخته است.

#### ۱-۲-۴- آنتیوخوس استراتگیوس<sup>۲</sup>: سقوط اورشلیم<sup>۳</sup>

آنتیوخوس راهبی فلسطینی بود که شاهد عینی سقوط اورشلیم به دست سپاهیان ایران ساسانی به سال ۶۱۴ میلادی به شمار می‌آید. او گزارش‌مانندی از این رویداد به زبان یونانی نوشته که از دست رفته و رونوشت کامل‌تر آن به گرجی<sup>۴</sup> از سده دهم میلادی موجود است.<sup>۵</sup>

#### ۵- آثار زبان‌های دیگر:

##### ۱-۵- آگاپیوس هیراپولیس<sup>۶</sup>: کتاب‌العنوان<sup>۸</sup>

آگاپیوس پسر کنستانتین (درگذشت ۹۴۱) اسقفی مَلکایی (خالکیدونی سربانی) در سوریه بود. او تاریخی را از آفرینش تا دوره معاصر خودش نگاشت که نام‌العنوان (کتاب‌العنوان) گرفته است. آگاپیوس در این اثر از مواد تاریخی سربانی، یونانی و شاید هم شرقی بهره برد. از آگاپیوس به‌ویژه برای بازسازی روایت تتوفیلوس اِدسای به‌بهره می‌برند.

##### ۲-۵- یوانیس از نیکو<sup>۹</sup>: رویدادنامه:

1. Thomson, *Rewriting Caucasian History*.

2. Rapp, *The Sasanian World Through Georgian Eyes*.

3. Antiochus Strategos

4. The Capture of Jerusalem

۵. همچنین رونوشت ناقصی به عربی.

6. See Conybeare, Antiochus Strategos, *The Capture of Jerusalem by the Persians in 614 Ads*

7. Agapius of Hierapolis

8. Kitab al-'Unwan

9. *John of Nikiû*

اسقفِ قبطی شهر نیکبو در دلتای نیل در مصر که رویدادنامه‌ای از آدم تا فتح مصر به دست مسلمانان نوشته است. بدبختانه بخش مهم جنگ‌های هراکلیوس با ایرانیان در کتاب او از میان رفته است. این کتاب احتمالاً به زبان یونانی نوشته شده بوده ولی اصل آن نمانده و ترجمه آن به زبان "گِز" که در سده ۱۶ از زبان عربی صورت گرفته، به دست آمده است.

منابع دیگری هم وجود دارند؛ از جمله رویدادنامه‌ای مهم که نه عنوانی دارد و نه مولف آن را می‌شناسیم، ولی به دلیل محل یافت شدن آن صومعه سيعرت (شرق ترکیه) با عنوان رویدادنامه سيعرت<sup>۲</sup> نام‌ور گشته است. این متن را مولفی نستوری مذهب در زمانی نامشخص در حدود سده نهم تا یازدهم میلادی (سوم تا پنجم هجری) به زبان "عربی" نوشته است. ولی پیداست که آبشخور او منابع سریانی شرقی سده هفتم بوده‌اند.<sup>۳</sup> رویدادنامه سيعرت تاریخ را در دوره ۲۵۱-۴۲۲ و ۴۸۴-۶۵۰ میلادی شامل بیشتر دوره ساسانی پوشش می‌دهد و بخش پس از فتوحات اسلامی آن مفقود گشته است. مورد مهم دیگر تاریخ اوتیکیوس<sup>۴</sup> با عنوان نظم الجوهر<sup>۵</sup> است که سعید بن بطریق اسقف خالکیدونی اسکندریه آن را در سده دهم نگاشته و تاریخ را از آفرینش تا دوره خود با کمک منابع شرقی و غربی گردآورده است.<sup>۶</sup>

#### منابع و مآخذ:

- آگاتانگوس. تاریخ ارمنیان، ترجمه گارون سارکیسیان، تهران: نایری. ۱۳۸۰.
- امیری باوندپور، سجاد.. اعمال سریانی (مجموعه شهادتنامه‌های مسیحی دوره ساسانی). زیر چاپ.

1. از زبانهای شاخ آفریقا *Ge'ez*
2. The Chronicle of Seert
3. See Wood, The Chronicle of Seert; Christian Historical Imagination in Late Antique Iraq.
4. Eutychius of Alexandria
5. Nazm al-Jauhar

۶. برای آگاهی بیشتر درباره آثار عربی مسیحی درباره ساسانیان بنگرید به، "مروری بر منابع عربی-مسیحی برای تاریخ دوره ساسانی"، *Amiri Bavandpour*.

- پاستوس بوزند. تاریخ ارمنیان، ترجمه گارون سارکیسیان، تهران: نایبری. ۱۳۸۶
- خورناتسی، موسس (موسی خورنی). تاریخ ارمنیان. ترجمه ادیک باغداساریان (ا. گرمانیک). تهران: بی.نا. ۱۳۸۰
- داسخورانتسی، موسی. تاریخ آلبانیایی‌های قفقاز (تاریخ آغوانک / ازان). ترجمه کلثوم غضنفری و جمشید قهرمانی. تهران: دانشگاه تهران. زیر چاپ.
- رضاخانی، خداداد و سجاد امیری باوندپور. رویدادنامه بی‌نام سریانی موسوم به رویدادنامه خوزستان. تهران: حکمت سینا. ۱۳۹۶
- Amiri Bavandpour, Sajad. "مروری بر منابع عربی-مسیحی برای تاریخ دوره ساسانی". e-Sasanika 19. 2017
- Brooks, The Chronological Canon of James of Edessa. 1899.
- Brown, "Recovering the submerged world", New York reviews of books 60. No.12. 2013
- Chesnut, *The First Christian Histories: Eusebius, Socrates, Sozomen, Theodoret, and Evagrius.* 1986
- Conybeare, Antiochus Strategos, The Capture of Jerusalem by the Persians in 614 Ads. 1910.
- Croke & Mommsen, The Chronicle of *Marcellinus*: A Translation and Commentary. 1995.
- Cameron, Averil. "The 'Long' Late Antiquity: a Late twentieth-century model", in *Classics in Progress*. Ed. T.P. Wisman. Oxford University Press.
- Dennis, *Maurice's Strategikon. Handbook of Byzantine Military Strategy* 4. 1984
- *Drew Donalson, Jerome's Chronicon. A Translation and Commentary.* 1993
- Whitby, The Ecclesiastical History of Evagrius Scholasticus. 2000
- De Gruyter, : *The Histories.* 1975
- *Dewing, , History of the Wars.* 1992



- Eghishe, *The History of Vardan and the Armenian War*. Translated by Thomson (Classical Armenian Texts) (English and Armenian Edition) 1993
- Fitzgerald Johnson, *Oxford Handbook of Late Antiquity*, p.22. 2012
- Foot & Robinson, *Oxford History of Historical Writing Armenian Historiography* 2012.
- Garsolān, "MOVSĒS XORENAC'T", *Encyclopædia Iranica*, Online Version. 2012.
- Ghazar. Ghazar P'arpec'i's History of the Armenians. Robert Bedrosian (Trans.) Sources of the Armenian Tradition. 1985
- Greatrex, *The Chronicle of Pseudo-Zachariah Rhetor. Church and War in Late Antiquity*. 2011.
- Greenwood, 2008
- Howard-Johnston, "SEBEOS," *Encyclopædia Iranica*, online edition, 2010
- Howard-Johnston, "The Official History of Heraclius' Persian Campaigns, The Roman and Byzantine Army in the East," 1994
- Hoyland, *Theophilus of Edessa's Chronicle and the Circulation of Historical Knowledge in Late Antiquity and Early Islam*. 2011
- Jeffreys, *The Chronicle of John Malalas*. 2017
- Kaprielian, *Refutation of the Sects*. 1986.
- McDonough, 2016.
- MacKenzie, "ĒRĀN, ĒRĀNŜAHR" *Encyclopædia Iranica* Vol. VIII, Fasc. 5, p. 534. 1998
- Muradyan, "ĻAZAR P'ARPEC'I," *Encyclopædia Iranica*, online edition. 2018
- Palmer, *The Seventh Century in the West-Syrian Chronicles*. 1993

- Pearse, *The Chronicle of Edessa*. 2003.
- Pearse, *Theodore the Syncellus, Homily on the siege of Constantinople in 626 AD 2007. English translation*
- Rapp, *The Sasanian World through Georgian Eyes: Caucasia and the Iranian Commonwealth in Late Antique Georgian Literature*. 2014
- Ridle, *New history of Zosimus. a translation with commentary*. 1982
- Russel, "FAUSTUS", *Iranica*, Vol. IX, Fasc. 5, pp. 449-451. 1999
- Russell, *Zoroastrianism in Armenia*. 1988.
- Sancisi-Weerdenburg, "The Fifth Oriental Monarchy and Hellenocentrism," in Sancisi-Weerdenburg and Kuhrt, eds., *Achaemenid History II*, pp. 117-31. 1987
- Smith, *Ecclesiastical History of John Bishop of Ephesus*, , VI - VII 1860
- Thomson, *Rewriting Caucasian History*. 1996
- Thomson & Howard-Johnston, *The Armenian History Attributed to Sebeos*. 2000
- Thomson, "EĻIŠĒ" *Encyclopædia Iranica*, VIII/4, pp. 365-366. 1998.
- Schott, *Christianity, Empire, and the Making of Religion in Late Antiquity*. p.6. 2008
- Mango et al, *The Chronicle of Theophanes Confessor: Byzantine and Near Eastern History, AD 284- 813*. 1997.
- Mango, *Nikephoros, Patriarch of Constantinople: Short History*. 1990.
- Whitby & Whitby, *Chronicon Paschale 284-628 (Translated Texts for Historians LUP)* 1990
- Wood, *The Chronicle of Seert; Christian Historical Imagination in Late Antique Iraq*. 2013
- Write, *The Chronicle of Joshua the Stylite*. 2013.
- Whitby, "THEOPHYLACT SIMOCATTA," *Encyclopædia Iranica*, online edition. 2015.